



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۱۰ مارچ ۲۰۲۱

نجیب سخی

تاریخ مختصر شُعیه

برای تنویر اُمت مسلمان آگاهی ازین اصل ضروری است، که مبدای شُعیه و سنی ؛ از کجا می آید ؛ آیا سیاسی و سلطه جوئی است ، یا ایمانی و عقیدتی؛ چنانکه بعداً اجاره داران مذهب بر مردم تحمیل کردند .

شُعیه در لغت بمعنی یار و پیرواست؛ اما بعد از شهادت خلیفه چهارم این اصطلاح به پیروان علی (رض) و پسران او اطلاق می گردد . قابل ذکر است که حرکت شُعیه در مبدأ هیچگونه بُد مذهبی و عقیدتی ندارد ، زیادتراً جنبه سیاسی و قدرت طلبی دارد ؛ اما با گذشت زمان و مخصوصاً بعد سلطه وحشت صفویه این جناح کاملاً جنبه (مذهبی - سیاسی) اختیار کرده و آنگاه که موضوع به دست انگلیس افتاد از آن وضعیتی را بوجود آورد که امروز میشناسیم .

غبار میگوید : «روحانیون نجف و کربلا که تاثیر زیادی در اجتماع ایران داشتند جیره از هندوستان میگرفتند (۱) همچنان غبار در ص ۲۹۰ ج اول میگوید «برادران شارلی به ایران رفته بودند در صدد تجهیز و تنظیم اردوی ایران شدند برای مقابله با عثمانی ها» .

این تشبث انگلیس در عصر شاه عباس صفوی از (۱۶۳۹-۱۵۸۷ م) حکومت میکرد ؛ صورت گرفته است . باین ترتیب قدرت صفویه و جانشینان او ، یعنی از همین عباس صفوی تا رضاه شاه باصطلاح پهلوی ، در حقیقت شُعیه اثنی عشری ؛ پیوند عمیقی با انگلیس دارد . از اینجاست که خمینی در حین جنبش ملت ایران بطور امانت و سلامت از عراق بفرانسه انتقال داده شد و در آنجا معالجه شده و عینکها و دندانهایش را نو کرده به ایران ارسال نمودند . زیرا میدانستند باین شخص وحشت عصر صفویه را دوباره از نو زنده میکنند و ازین نیز واقف بودند کاین سیاهکار، ملت ایران را از شاه بدتر شکنجه و سرکوب خواهد کرد. از اینجاست که انقلاب بزرگ مردم ایران را این صفوی های معاصر بکجراه بردند در حالیکه روسها تنها بیست سال بعد انقلابشان در جنگ دوم فاشیزم را نابود کردند ؛ چینی ها صرف پانزده سال بعد از پیروزی انقلابشان خود کفا و عضو

دائمی شورای امنیت ملل متحد شدند؛ اما ایران چهل سال بعد از باصطلاح پیروزی انقلاب؛ هنوز جیره خوار غرب، روسیه و بانک جهانی است؛ زیرا سازمانهای استعماری باین مثل مردم ما باور داشتند که: «خیزگوساله تا دهن کاهدانست»، یعنی هر خیزش اجتماعی با نهاد و قاعده مذهبی در عصر حاضر؛ در نهایت یک حرکت ارتجاعی خواهد بود.

اما مذهب شعیه: در شروع، یعنی بعد از وفات پیغمبر؛ ابن خلدون مینویسد:

«موضوع دوم کار جانشینی پیغمبر و ادعای شعیهانست که گویند پیامبر وصیت کرده است که علی جانشین وی باشد. در صورتیکه صحت این امر محرز نشده و هیچیک از ائمه اخبار آنرا نقل نکرده است و آنچه در صحیح آمده که پیغمبر دوات و کاغذ خواست تا وصیت خود را بنویسد و عمر ازین کار منع کرد و این خود دلیل واضحی است بر اینکه وصیتی روی نداده است.» (۲)

در حقیقت داعیه شعیه در مبدأ اخذ قدرت سیاسی است نه؛ اعتلای اسلام؛ زیرا در دوران خلافت سه جانشین پیغمبر که اسلام رونق شدید گرفت، مگر این تحول بر آنها اثر نداشته و خواهان اسلام ارثی و وراثت در روحانیت بودند.

درین مورد باز ابن خلدون میگوید: «در مذهب ایشان همه فرقه ها هم رأی هستند که امامت از مصالح عام نیست که بنظر امت واگذار شود و عهده دار آن به تعیین ایشان نیست بلکه این منصب رکن دین و پایه اسلامست و روا نیست برای پیامبر اغفال از آن؛ و نه تفویض آن بامت؛ بلکه بر وی واجب است؛ امام را برای امامت تعیین کند، امامی معصوم کز کبایر و صغایر میرا باشد و همنا علی (رض) آن کسی است که پیامبر وی را برسمیت تعیین فرموده.

این امامت بعد از علی بکسانیکه باو پیوند دارند انتقال می یابد که این گروه را امامیه مینامند؛ چون شیخین (ابوبکر و عمر) به علت اینکه به علی بعیت نکردند و خود قبل از وی خلیفه شدند؛ لهذا شعیهان خلافت و امامت ایشانرا تحقیر میکنند و به عیبگوئی و ناسزا گوئی می پردازند که افراطی ترین شان یعنی غالیان در باره شیخین نقل میشود.» (۳)

گروه دیگر شعیان که علی را از نظر وصف یعنی سلسله قابل خلافت میدانستند؛ اما از نظر شخص او را مستحق این مسئولیت نمیدانستند به گروه زیدیه یا شعیه زیدی مسمی هستند. زیدیه ادعا دارد که امامت بفرزند فاطمه میرسد ولی شیوخ و بزرگان ایشانرا برگزینند، و آنها باید عالم، زاهد، بخشنده و شجاع باشند و برای امامت خروج کنند و مردم را بدان دعوت کنند. صاحب این مذهب زید بن علی بن حسین نواسه دختری حضرت حسین است. چون زیدی ها نزدیک بعقاید معتزله و عقلیه بودند؛ امامیه ئی ها آنها را «رافضی» خواندند.

ابن خلدون در ادامه میگوید: « برخی شعیهان معتقد اند که کمال امام در دیگری جز امام پدید نمی آید و از اینرو هرگاه امام در گذرد روح او بامام دیگری منتقل میشود تا آن کمال در وی پدید آید . و این عقیده از قبیل اندیشه های پیروان تناسخ است . (۴)

معتقدین به دوازده امام اعتقاد دارند، که اصلاً امام دوازدهم را امام غائب نیز گویند زیرا او برای نجات اسلام برمیگردد، در حقیقت او زنده است ازینرو سلسله امامها بهمین دوازده متوقف شده است . و این دوازده امام قرار ذیل هستند:

۱- علی ابن ابوطالب که در سن شصت و سه سالگی به دست عبدالرحمن ملجم بشهادت رسید ، باید گفت که، ملجم این جنایت را بحساب شخص خود انجام نداده ؛ بلکه عقب وی منافع و دست گروه معاویه و غیره عمل میکرده ؛ لهذا این قتل جنبه سیاسی و قدرت طلبی دارد تا مذهبی و عقیدتی .

۲- امام حسن بن علی تولد سال دوم هجری و فات سال چهل هجری زهر داده شد .

۳- امام حسین بن علی ۳ هـ - ۶۱ هـ بوسیله یزید بشهادت رسید . این شهادت نیز نه بدین علت است که فرزند معاویه مسلمان نبود و یا به اسلام توهین و تحقیر میکرد ؛ بلکه صرف بدین جهت که حسین نواسه پیغمبر بود و خود را مستحق خلافت میدانست و یزید خود را جانشین پدرش میگفت ؛ درین میان بحث عقیدتی اصلاً وجود ندارد ؛ مگر برخورد و جنگ بالای قدرت ؛ لهذا آنیکه نیرومند تر است غالب می آید ، که تا امروز آنکه زور دارد حکومت میکند ! .

۴- زین العابدین بن حسین ۳۸ هـ - ۹۵ هـ

۵- محمد باقر بن زین العابدین ۵۸ هـ - ۱۱۴ هـ

۶- جعفر صادق بن محمد باقر ۸۳ هـ - ۱۴۸ هـ

۷- موسی کاظم بن جعفر صادق ۱۲۰ هـ - ۱۸۱ هـ

۸- علی موسی الرضا مشهور بامام رضا بن موسی کاظم ۱۴۸ هـ - ۲۰۰ هـ

۹- محمد تقی بن امام رضا ۱۹۵ هـ - ۲۲۰ هـ

۱۰- علی تقی بن محمد تقی ۲۱۲ هـ - ۲۵۴ هـ

۱۱- حسن عسکری بن علی تقی ۲۳۲ هـ - ۲۶۰ هـ

۱۲- امام مهدی ، که برای نجات جهان می آید برخی عقیده برین است که حسن عسکری زنده و پنهانست ، که در موقع مساعد بحیث امام دوازدهم ظهور خواهد کرد .

امامیها بعد از جعفر صادق بدو شعبه منشعب میگردد ؛ زیرا گروهی امامت را به فرزند جعفر صادق اسماعیل نسبت میدهند ، که این گروه را اسماعیلیان نامیده اند ؛ اما چنین نشد و امامت را به موسی

کاظم دادند. او را امام هفتم قبول و تائید نمودند؛ لهذا اسماعیلیان انشعاب کردند. اگرچه اسماعیل در زمان حیات پدر فوت شده بود؛ اما اسماعیلیان معتقد هستند که امام اصلی اسماعیل است؛ لهذا سلسله امامت منبذ بفرزندان اسماعیل باید انتقال کند، یعنی امامت از اسمعیل بفرزندش محمد مکتوم انتقال یافته است و این محمد مکتوم نخستین امام پنهان بشمار میرود. عقیده برانست چون امام قدرت و شوکتی ندارد پنهان میشود. باین ترتیب فرزند مکتوم جعفر مصدق و محمد حبیب آخرین امامهای پنهان بودند که فرزند وی عبیداله مهدی امام ایشانست که ابو عبدالله شیعی دعوت آشکار کرد یعنی پنهان نماند و مردم از او پیروی کردند، که اولاد او بسطنت قیروان و مغرب نایل آمدند و پس از وی فرزندان فاطمیان مصر را تاسیس کردند. این دولت را خلیفه بغداد و اسلام سنی قرمطی خواندند. لهذا پیروان اسماعیل را اسماعیلیان؛ چون به باطن معتقد بودند؛ زیرا امام پنهان بود این گروه را باطنیه نیز گویند و فاطمیان بدانجهت نامند، که احفاد فاطمه زهرا صبیبه پیغمبر اسلام هستند. مذهب شعیه در واقع از سه گروه تشکیل گردیده: زیدی ها، اسماعیلی ها و داوذه امامی یا امامیه کزین جمله دو گروه:

اول یعنی زیدی ها در عراق عجم فارس کرمان و... ۹۳۳م - ۱۰۵۵م دولت آل بویه دیالمه را تشکیل و در حقیقت شعیه زیدی بقدرت رسید و آزموده شدند، مگر هیچ فعالیت بخصوصی از ایشان برای اسلام سرنزد!

دوم فاطمی های مصر که شعیه اسماعلیه بودند، کز سال ۹۰۹م - ۱۱۷۱م در شمال افریقا و قسمتی از شرق میانه حکومت کردند و بوسیله قدرت فرسوده شدند. اما برای اسلام و مذهب کدام خدمت مشخصی انجام ندادند!

سوم امامی ها، اینها تا قبل از صفوی ها قرن شانزدهم بقدرت سیاسی نرسیده بودند، یعنی یگانه فرقه شعیه است که قبلاً آزموده نشده بود. اینها گاهی که بقدرت رسیدند هر چیزیکه قبل از ایشان وجود داشت همه را نفی و نقض و نابود کردند. چنانچه تقی بهار گفت ملت یکدست با فرهنگ و مذهب نو بوجود آوردند که دشمن شماره اول، دوم و سوم شان مذهب سنی و اهل تسنن بود. غبار در ص ۲۸۷ج اول میگوید: «درین مذهب اعم از سنی و خوارج باضرب غازیان و سپاه برانداخته شود» و چنین شد. تقی بهار میگوید: «در کتب شعیه صوفیانرا بی دین و ابیحی شمردند به مولانای روم بد گفتند و نیز به قتل و احراق این طائفه فتوی دادند» ص ۲۴۸ج ۳ سبک شناسی.

از اینجاست که حتی امروز یک مسجد تسنن در تمام تهران وجود ندارد! در حالیکه کلیسا صومعه و... بوفرت در همین شهر پیدا میشود!

اینرا نیز باید یاد آور شد که شیعیها در عصر زیدیها وبعد از سقوط دیالمه همیشه طرف آزار و اذیت از سوی سنیها قرار می گرفتند؛ مثلاً مسعود؛ حسنک وزیر را که مرد عاقل و دانشمندی بود برایش دسیسه بستند و این مرد را بجرم قرمطی بودن اعدام کرد. این وضعیت مفصل در تاریخ بیهقی شرح و بیان شده است. که یکی از عوامل این طغیان و این تعصب را میتوان درین منبع نیز جستجو کرد. دوازده امامیها یا شیعه امامی اثنی عشری کشوری بوجود آوردند مبرا از هر نوع اثر و نشانه سنی؛ لهذا هر آنچه که نمیتوانست شیعه شود، نابود و فرار و اخراج گردید و کشوری بوجود آوردند و بکمک انگلیس نام ایران را بدان گذاشتند، که قبلاً بغیر از افسانه های زردشتی شاهنامه در هیچ منبع دیگر اسلامی و غیر اسلامی وجود نداشت! .

شناخت عینی و حقیقی این حوادث در بطن تاریخ اسلام؛ بما این فرصت را میدهد تا در مورد؛ اهل بیت و آنانیکه در جماعت تسنن خود را سید و اولاد پیغمبر میخوانند، دیدگاهی روشن داشته باشیم، که آیا واقعاً مربوط باهل بیت شریف هستند و یا صرف سید های شب جمعه اند .

انتهی

یادداشتها:

- ۱ - افغانستان در مسیر تاریخ ج ۱ ص ۵۰۳
- ۲ - مقدمه ابن خلدون ص ۴۰۷ ج ۱
- ۳ - مقدمه ابن خلدون ص ۳۷۶ ج ۱
- ۴ - ابن خلدون ج ۱ ص ۳۸۰ .